

جهان اسلام به یک انقلاب بزرگ فرهنگی نیاز دارد

قیل از آن که به ادامه این مطلب بپردازم، در گام نخست می‌خواهم عمل وحشیانه تروریستی و غیر انسانی دیروز را در شهر کابل شدیداً تقبیح نموده و بدینوسیله مراتب همدردی و غم‌شریکی خویش را به این مناسبت با هموطنان داغ‌دیده ام که جگر گوشه های شان را در این فاجعه بزرگ از دست داده اند، ابراز بدارم. در ثانی یک پیام کوچک به هموطنانم.

هموطنان عزیز، جوانان غیور و با شهامت! حرکت‌ها و همایش‌های مدنی خیابانی در کشور‌های براه انداخته می‌شوند که در آن کشور‌ها دولتمردانشان به مدنیت باوری داشته باشند و جوانانشان متحد باشند؛ متأسفانه افغانستان از شمار آن کشور‌های است که دولتمردانش به دموکراسی و جامعه مدنی هرگز باور ندارند و جوانانش با هم متحد نیستند، کشور ما از دموکراسی هنوز فرسنگ‌ها دور است، دولتمردان افغانستان در نقش بازیگران سریال‌های دنباله دار، بازیگران و نمایشگران دموکراسی قلبی در این کشور هستند که سناریو را دیگران برایشان تهیه می‌کنند، بنابراین در اینجا مثل گذشته یک بار دیگر به شما خاطر نشان می‌سازم، از شما عزیزانم التماس می‌کنم، پیش از آن که به خیابان‌ها رفته و جان‌های شیرین خویش را با خطر مواجه بسازید و عزیزان و وابستگان خویش را ماتم‌دار بسازید، نیاز است، نیاز مبرم است تا هرچه زودتر یک تشکل بزرگ فراقومی را در سراسر افغانستان عزیز ایجاد نمایید، بدون ایجاد یک تشکل بزرگ فراقومی و فراهم سازی پیش زمینه‌های دموکراسی (بخصوص در زیر سایه ارواح خبیثه) در افغانستان براه اندازی هر نوع همایش و مظاهره در خیابان‌های کابل و دیگر شهرهای این کشور معنی انتحار و خودکشی را دارد که درمندان دیروز شما همه شاهد چنین حادثه خونبار در کابل عزیز بودید.

حال می‌پردازم به اصل مطلب:

کودتا جمعه شب هفته گذشته توسط نیروهای ارتش در ترکیه، این که روی چه اهداف و از کدام جوانب سازماندهی شده بود خدا می‌داند و سازماندهندگان آن، اما آنچه که مسلم است شوربختانه چهره‌های آشکار و پنهانی هم در داخل این کشور و هم در بیرون از آن هستند که می‌خواهند ترکیه را نیز مانند سایر کشور‌های اسلامی جنگ زده در مسیر بی‌ثباتی قرار دهند.

دهشت افگنان بین‌المللی بخاطر تحکیم بخشیدن هر چه بیشتر پایه‌های قدرت مافیایی شان و دست‌یابی به منابع انرژی در جهان می‌خواهند در سراسر جهان زندگی عادی انسانها را هم از مسلمانان، عیسویان، یهودیان، بوداییان، هندویان و غیره را همه را دیندار و بی‌دین را به جهنم دنیوی تبدیل نمایند، آنها بخاطر پیاده نمودن اهداف شیطانی خویش دیربست که پروژه‌های کلان تاریک سازی کشور‌های اسلامی مثل قاره آفریقا را روی دست دارند تا در این کشور‌ها قیمت نفت و گاز حتی سنگ و چوب آنها را به میل خود تعیین نمایند تا در بدل بهای خون مسلمان و غیر مسلمان همه منابع اقتصادی و مادی جهان را در قبضه خود داشته باشند.

با تأسف، در این سال‌های اخیر جهانیان شاهد مصیبت‌بارترین و وحشت‌بارترین نوع پروژه‌های تروریستی هستند که دهشت افگنان بین‌المللی و حامیان تروریسم بین‌المللی با امکانات کلان اقتصادی، تکنیکی و نظامی بیش از هر زمانی در یک محور بزرگ شرارت جمع آمده‌اند و خصمانه تلاش دارند که با براه اندازی جنگ‌های مذهبی میان مذاهب مختلف و ملت‌های گوناگون بویژه میان پیروان دو کتاب "مقدس" انجیل و قرآن مسلمانان و غیر مسلمانان را در برابر یک فاجعه بزرگ انسانی مانند «هولوکاست» قرار دهند و با استفاده ابزاری از نام اسلام و با براه اندازی حملات تروریستی و اعمال وحشیانه ضد بشری در سراسر جهان دین اسلام را بواسطه اعمال وحشیانه یک عده مسلمانهای جاهل نزد پیروان دیگر ادیان جهان بد نام نموده و یک میلیارد و سه صد هزار مسلمان را هم در کشور‌های اسلامی و هم در بیرون از کشور‌های اسلامی هرچه بیشتر مهاجر، در بدر و خوار و ذلیل بسازند و به کمک بنیادگرای افراطی اسلامی کشور‌های اسلامی را بخصوص کشور‌های اسلامی پیشرفته و در حال رشد را بسوی جهالت و بربریت سوق نموده و از پیشرفت و تکامل باز دارند و بدینوسیله بخش بزرگی از جهان را مجدداً سر از نو بین خود تقسیم نمایند.

حوادث خونبار حد اقل نیم قرن اخیر در کشور‌های اسلامی مانند افغانستان، عراق، لیبی، مصر، سوریه، سومالی، سودان نشان دهنده آن است که متأسفانه بعضی از کشور‌های بزرگ در تباری با شیوخ عرب خودشان در حقیقت حامیان اصلی تروریسم و محور صدور دهشت افگنی و شرارت در جهان هستند، به عقیده من هیولای تروریسم سازمان یافته تنها از راه جنگ مهار نخواهد شد، بلکه بواسطه کار دوامدار آگاهی دهنده سیاسی - فرهنگی و برنامه‌های سازنده تربیتی در میان جوانان کشور‌های اسلامی ریشه‌های زهر آگین ترور و وحشت را می‌توان آهسته آهسته خشکاند و از این طریق جلو گسترش تروریسم و بنیادگرایی افراطی را گرفت؛ چون هر قدر که به بهانه‌های مبارزه علیه تروریسم و بنیادگرایی از لوله تفنگ حرف زده‌اند به

همان پیمانانه تروریست ها و بنیادگرا های افراطی اسلامی را آگاهانه قوی ساخته اند و در سراسر جهان گسترش داده اند، بیشتر جنگ افزار های جدید تولید نموده اند و بدینوسیله به آتش ترور و وحشت بیشتر و بیشتر دامن زده اند، جوانان را در کشور های اسلامی معتاد به هیرویین، فرار از وطن و یا در فقر فرهنگی و جهالت قرار داده اند، تردیدی ندارم که بعضی از کمپنی های بزرگ تولید و فروش تجهیزات جنگی با فراعنه نفت، با مافیای هیرویین و همچنان با مدارس و تعلیمگاه های بزرگ طالب پروری و داعش سازی از امریکا شروع تا افریقا و خاورمیانه و ماورای دیورند دادوستد و روابط تنگاتنگ مالی، سیاسی و نظامی دارند.

پس اگر جلو تروریسم و بنیادگرایی افراطی توسط خود مسلمانان گرفته نشود آرزو دور نخواهد بود که دهشت افکنان بین المللی بواسطه گروه های تروریستی همه کشورهای اسلامی را بخصوص کشور های پیشرفته و در حال رشد اسلامی از قبیل ترکیه، قزاقستان، آذربایجان، اندونیزیا، مالیزی، ایران، بنگله دیش و ترکمنستان را که از منابع بزرگ انرژی زیرزمینی و سرزمینی برخوردار اند مثل سوریه و عراق و لیبی ویران نموده و مردمان این کشور ها را برای همیشه برده و غلام خود خواهند ساخت. امروز اگر افغانستان و سوریه و عراق در آتش جنگ های تحمیلی و تروریسم خودی و بیگانه می سوزند اگر وضعیت به همین روال ادامه یابد دیری نخواهد گذشت که فردا نوبت ایران و ترکیه و پس فردا نوبت آسیای مرکزی و اندونیزیا نیز خواهد رسید، حوادث پی در پی ترکیه زنگ خطر است، زنگ خطر هم برای ترکیه و هم برای همه، هم برای مسلمانان و هم به غیر مسلمانان، شهزاده های عیاش عربستان سعودی و شیوخ و امرای اطراف خلیج فارس و همکاران بین المللی شان خوب بخاطر داشته باشند که شعله های تموز و سوزان این جنگ ها به حرمرای ها و داخل قصر های مرمرین آنها هم خواهد رسید.

بنابراین با این وضعیت نا بسامان و بد اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی مسلمانان، جهان اسلام قبل از همه به یک انقلاب بزرگ فرهنگی و به یک باز سازی بزرگ تربیتی و اخلاقی نیاز مبرم دارد، امروز از مسجد و منبر مسجد گرفته تا مکتب و مدرسه اسلامی، در مجموع فرهنگ و معارف اسلامی در وضعیت بسیار بد و نگویناری قرار دارند، همه به یک بازنگری و بازسازی نیاز دارند، باید است روحانیون و دانشمندان دین، البته آنهایی که در خصوص ارزش های دین اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی تحصیلات اکادمیک و دانشگاهی دارند و از افکار متحجر و اعمال و کردار زشت طالبانی و داعشی به دور اند، سیاست مداران و فرهنگیان، همه آنهایی که به ارزش های دینی و فرهنگی اسلامی خود باوری دارند احساس مسئولیت نموده در سراسر جهان همه دست یکی کنند تا بهر وسیله که می شود قبل از همه جلو تبلیغات و فعالیت های بنیادگراهای افراطی و ملاً های کم سواد و بی سواد را بگیرند، چون اکثر همین ملاً های بی سواد و کم سواد اند که دایم با تبلیغات زهر آگین شان بستر گرم سرباز گیری از میان جوانان را فراهم نموده و بواسطه آنها زمینه های فعالیت های وحشیانه تروریستی و دهشت افگنی را در کشور های خود مساعد می سازند. چنانچه که دیده می شود متأسفانه در این سال های اخیر فرهنگ و سنت های اسلامی آگاهانه و غیر آگاهانه بواسطه همین نیمچه ملا ها و مسلمان نما های کم سواد از طریق رسانه های جمعی (بخصوص انترنیت و تلویزیون) به مسخره گرفته می شود، هر ملاً کم سواد و بی خیر از دین به تعبیر نادرست خود از دین بنام عالم و کارشناس دین، اسلام را نزد پیروان دیگر ادیان دین جهالت و خشونت معرفی می نمایند، بنابراین هنوز هم دیر نشده است لازم می دانم تا علمای با خرد دین هرچه زودتر یک خط درشت و یک مرز آهین بین ارزش های اسلام واقعی از یک طرف و شریعت من درآوردی گروه های دهشت افکن تروریستی و حامیان بین المللی شان از جانب دیگر ایجاد نمایند در غیر آن اگر وضعیت به همین روال ادامه پیدا کند، تردیدی ندارم که قرن های دیگر مسلمانان همین قسم آواره و در بدر، غلام و برده در زیر سلطه حاکمیت ظالمانه ای دهشت افکنان بین المللی و تروریسم خودی و بیگانه در میان آتش و خون در سوگ عزیزان و دلبنستگان خود در مرگ تدریجی بسر خواهند برد.

حرف آخر،

دیگر از هیچ کس پوشیده نیست که تروریسم بیشترین قربانی را از جمع خود مسلمانان می گیرد و از جانب هم حامیان تروریسم بخاطر پیشبرد اهداف شوم و شیطانی شان از میان جوانان مسلمان بیشتر سربازگیری می کنند، بنابراین به نظر من در مبارزه علیه تروریسم و دهشت افگنی قبل از همه خود مسلمانان بخصوص جوانان باید نقش مؤثر و سازنده داشته باشند، جوانان کشور های مختلف باید اتحادیه جهانی جوانان علیه تروریسم را ایجاد کنند، این ابتکار را باید است جوانان کشور های اسلامی بدست بگیرند و از طریق فیسبوک اتحادیه جوانان را ایجاد نموده و آنرا فراملتی و فرا مذهبی بسازند، بدون اتحاد جوانان در سراسر جهان پیروزی بر تروریسم و دهشت افگنی محال است و نا ممکن.

نویسنده: ضیا باری بهاری

(24.07.2016)

